

در جست‌وجوی شخصیت مدنی ایرانی

گزارشی از کتاب «عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران»



عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران
دکتر محمود سریع القلم
نشر: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات
استراتژیک خاور میانه (۱۳۸۲)
صفحه ۴۵۶

حمید میرانی مقدمه

«عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران» محصول چهارده سال تحقیق و تدریس دکتر محمود سریع القلم در مورد توسعه‌یافتگی است که توسط مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه منتشر شده و تکمیل‌کننده کتاب قبلی نویسنده یعنی «عقل و توسعه‌یافتگی» به‌شمار می‌رود. او در صفحه ۱۴ کتاب می‌نویسد: «در مقدمه کتاب عقل و توسعه‌یافتگی (۱۳۷۳) به خوانندگان محترم قول دادم که بعد از مدتی فکر و مطالعه بیشتر، دیدگاه‌ها و آرای تجدیدنظرشده خود را پیرامون مطالب آن کتاب ارائه کنم. هم‌اکنون در مرز ده سالگی و آماده شدن مجموعه‌ای تحت عنوان «عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران» دیدگاه‌های خود را در رابطه با نظریه‌های قبلی پیرامون توسعه‌یافتگی، شرایط لازم برای پیشرفت عمومی کشور و بسط عقلانیت به عنوان پارادایم حاکم بر توسعه‌یافتگی ایران در معرض نقد و بررسی خوانندگان محترم قرار می‌دهم.»

البته امروز اگرچه «عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران» در حوزه مطالعات توسعه در ایران، کتابی شناخته شده است اما دیدگاه‌های نویسنده آن مورد مناقشه جدی بخشی از نخبگان و اندیشمندان این عرصه نیز هست که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

دغدغه نویسنده

مهم‌ترین دل‌مشغولی نویسنده شناخت واقعی بافت موجود فکری اجتماعی سیاسی ایران بوده است. دغدغه وی پرهیز از صنعت ترجمه در حد توان و فکر و کار بومی بوده و سعی شده از افراد و مفاهیم غربی تا آن‌جا استفاده شود که به ساخت داخلی ایران مربوط باشد.

از نظر نویسنده، «عمده مشکل توسعه‌نیافتگی ایران در افکار ما نیست، بلکه در شخصیت پرورش نیافته ماست. مشکل ما چگونگی تبدیل فکر و عمل است. مشکل ما ناتوانی در سیستم ساختن است. در جامعه‌ای که افراد این قدر نسبت به هم دافعه دارند نمی‌توان سیستم اجتماعی ساخت. دو پایه متدلوژیک تمدن غرب، ساماندهی و تشکل از یک طرف و ظرفیت نقدپذیری افراد از طرف دیگر است. ما در هر دو ضعیف هستیم. طبعاً این ضعف‌ها قابل اصلاحند. مشروط به این که برای اصلاح آن‌ها جایی باز کنیم. خلیقات غیرمدنی ما ذاتی نیستند، بلکه نتیجه ساختارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی انباشته شده تاریخ ایران هستند. این کتاب مطرح می‌کند که اگر ما ساختارهای منتهی به تحول شخصیت بر پا نکنیم و جاذبه‌های معاشرتی و همکاری را میان خود ایجاد نکنیم، در به پا کردن ساختارهایی که به توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منجر شود همچنان ناکام خواهیم ماند. بنابراین ضروری است هرچه سریع‌تر در کنار طرح افکار منطقی، در شخصیت خود تحولی اساسی ایجاد کنیم.» (پیشگفتار)

سامان‌دهی کتاب

چهارچوب نظری این تحقیق، در ابتدای کتاب تحت عنوان «مکتب تحول

شخصیت ایرانی» به بحث گذاشته شده و سپس مقالات کتاب در سه بخش مباحث نظری، مسایل توسعه جهان سوم و مسایل ایران مطرح شده است.

پیش‌فرض‌های نویسنده

افکار ما با شخصیت‌مان یکسان نیست. ما افکار مدنی داریم اما شخصیت مدنی نه.

تا شخصیت مدنی پیدا نکنیم، توسعه ممکن نخواهد بود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت مدنی، نقدپذیری است.

برای تغییر شخصیت، باید ساختارهای منتهی به آن را تغییر داد.

روش تحقیق

روش نویسنده مبتنی بر تجربه‌گرایی یا پوزیتیویسم است. به این معنی، کشورهای به نسبت موفق در امر توسعه مثل آلمان، هند، کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، چین، برزیل و آرژانتین را مطالعه کرده و مراحل توسعه‌نیافتگی و اصول و عوامل آن را با یکدیگر و با اوضاع کشور ایران مقایسه نموده و سپس به ارائه راهکار پرداخته است. در صفحه ۱۰۴ کتاب درباره روش تحقیق آن می‌خوانیم: شیوه دستیابی به اصول ثابت توسعه سیاسی «جنبه منطقی و استقرایی دارد و یک جامعه را از فراز کره زمین با توجه به ارزش‌های انسانی مد نظر قرار می‌دهد. مصادیق بعضی از اصول در برخی جوامع وجود دارد، اما مجموعه اصول به‌صورت یک سیستم سیاسی از مصداق خاصی برخوردار نیست. منظور ما تلفیق نظریه با اصول و ارزش‌های انسانی است، به گونه‌ای که معنای تئوریک توسعه سیاسی با آرمان‌های عام انسانی ادغام گردد و حرکت تکاملی جامعه را در مسیر توسعه اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً به سوی توسعه سیاسی جلوه‌گر سازد. این است استنباطی که نویسنده از یک جامعه توسعه‌یافته سیاسی دارد.

شرایط تاریخی و قلمرو جغرافیایی

این کتاب در فضای کلی سال‌های ۱۹۵۰ به بعد نوشته شده که بحث توسعه برای کشورهای توسعه‌یافته و نیز کشورهای استقلال یافته بعد از جنگ جهانی دوم و ضرورت توسعه یافتن آن‌ها برای ایجاد ثبات و صلح بین‌المللی به‌طور جدی مطرح شده است.

نویسنده مهم‌ترین ویژگی این برهه تاریخی را عقل‌گرایی می‌داند: «برای اولین بار در تاریخ طولانی حیات بشر، تکنولوژی ارتباطات و علم‌گرایی، به صورت دو اصل به هم پیوسته و مرتبط، مجموعه جوامع بشری را به‌صورت یک دهکده جهانی درآورده است. انسان‌ها و مجموعه‌های اجتماعی دیگر با اندیشه‌ها، امیال، خواست‌ها و عملکرد یکدیگر بیگانه نیستند. به‌طور دائمی، در معرض هجوم هزاران تفکر، تحول، محصول، اقدام و ذهنیت‌ها و عینیت‌های هم می‌باشند. انسان‌ها، خواسته یا ناخواسته، از این ابداعات و اندیشه‌ها، تأثیر می‌پذیرند و جلوه‌های جدیدی از تنوعات بشری را می‌آفرینند... علم و ارتباطات انسان را دنیایی‌تر کرده و به اصل